

یکی از زیباترین برجسب‌هایی که در انسان، باور زیبا و درنهایت، هویتی مستحکم و عالی ایجاد می‌کند، برجسب «متوقع» است. انسان متوقع، انسانی است که زیباترین و هدفمندترین انتظارات را از زندگی خود دارد و بهترین‌ها را می‌خواهد، انسانی که توقع دارد زندگی‌اش هر روز عالی‌تر و بهتر از روز گذشته‌اش باشد، انسانی که قصد دارد هرروز، قدم زیبایی بردارد، مه‌ری بورزد، به علم و دانشش بیفزاید، در مسیر معنویت و تقوی گامی بردارد، به ثروت حلال برسد و در یک کلام، قدمی در مسیر کمال بردارد. چنین انسان‌هایی همواره متوقع و منتظر رویداد زیبایی در زندگی خود هستند.

از آنجایی که طبق اصل انتظار «به آدمی آن می‌رسد که منتظر یا متوقع آن است»، بنابراین چنین انسان‌هایی که ما آنان را «انسان متوقع» می‌نامیم، همواره در مسیر کمال گام برمی‌دارند زیرا زندگی آنان، با خلق زیباترین دستاوردها، هرروز، بهتر از روز گذشته است. پس چه زیباست که ما همواره خود را انسان متوقع بنامیم و با این برجسب، احساس کنیم که به بهترین وجه ممکن، مصداق اصل انتظار هستیم. بنابراین، همواره با خود بگویید: «من یک انسان متوقع هستم» و بدان که به تو همان می‌رسد که منتظرش هستی، همان را می‌یابی که مشتاقانه به جست‌وجویش برخاسته‌ای، همان دری به رویت باز می‌شود که بی‌وقفه کوبیده‌ای و به تو، همان را خواهند داد که خود خواسته‌ای. بنابراین همواره در معاشقه و مناجات خود با حضرت دوست این‌گونه بگویید:

«خدایا! تو بهترینی و بهترین‌ها را آفریده‌ای، چگونه من از تو، بهترین‌ها را نخواهم؟ تو به من کرامت دادی و فضیلت عطا نمودی. ایمان آورده‌ام که در کل کائنات تو، چه مقام والایی دارم و بر چه تختی تکیه زده‌ام. این کرامت و فضیلت را با خواست‌های حقیر و کوچک، کم‌رنگ نمی‌کنم. از تو، آن می‌خواهم که شایسته‌ی خود می‌دانم. تو کائنات و هرچه در آن هست را مسخر اندیشه‌های من کردی، اکنون چگونه ممکن است به خود اجازه دهی چیزی بخواهم که در شأن قائم‌مقام تو نباشد؟»

آری، این است توقعات انسانی متحول شده و خودشکوفای خود را شناخته و به جایگاه رفیع خود در عالم خلقت پی برده است. انسان، چه به دنبال موفقیت، ثروت و معنویت باشد و چه به وضع موجود بسنده کرده و به دنبال سکون و رکود، در هر صورت، زندگی طی می‌شود اما انسان متحول شده که قدم در راه کمال می‌گذارد و از قدرت لایزال الهی کمک می‌گیرد، آرمان‌هایی بس بزرگ و ایده‌هایی بس شگفت در سر می‌پرورد. او هرروز به دنبال بهترین‌هاست و این همان چیزی است که به زندگی در مسیر کمال، معنا و مفهوم می‌بخشد. زندگی، صحنه‌ی نمایشی بزرگ است که هر یک از ما نه تنها نقشی به دلخواه در آن ایفا می‌کنیم بلکه هر یک از ما، خود، نمایشنامه‌اش را می‌نویسیم و این خود ما هستیم که تعیین می‌کنیم چه نقشی برانزده‌ی ماست و این جاست که تنها انسان زیبای دیگر، انسان خودشکوفای خودآگاه است که تأثیرگذارترین، بهترین و زیباترین نقش عالم هستی را برای خود برمی‌گزیند.

او همواره بهترین بخش وجود خویش را تقدیم می‌کند و از سایرین نیز همین توقع را دارد. بی‌منت می‌بخشد تا بی‌منت به او ببخشند. رسالت بزرگ او در زندگی این است که در حد توان خود تلاش کند. او می‌خواهد در هر کاری که به عهده می‌گیرد، بهترین باشد و هر چه به انجام می‌رساند، عالی‌ترین.

او ایمان دارد که وجودش، بخشی از آن خورشید جهان‌افروزی ست که دنیا را در نور و روشنایی غرق کرده است و خدا در ذره‌ذره‌ی وجودش حضور دارد.

با این دیدگاه، او دیگر کسی نیست که به هر شرطی تن بدهد؛ در هر جایی زندگی کند و با هر کسی به سر ببرد؛ انسانی که تحولی الهی، ارکان وجودش را دگرگون ساخته است، بارقه‌ی نور الهی در دلش گرم و فروزان است. او انسانی است که اراده کرده تا اسیر روزمرگی نشود. او وجب‌به‌وجوب سرزمین وجودش را می‌شناسد و چون خود را متعالی‌ترین، بی‌ظن‌ترین و برگزیده‌ی برگزیده‌ها می‌بیند، نمی‌تواند به کمتر از حد خود اکتفا کند.

همواره با خود زمزمه کنید: «من یک انسان متوقع هستم.» ضمیر ناخودآگاه شما با دریافت چنین برجسبی، روزبه‌روز هویت زیباتری در شما می‌سازد.

## دکتر علیرضا آرمندیان

بنیان‌گذار تکنولوژی فکر



جهت تهیه‌ی سی‌دی سمینار بزرگ راز و محصولات تکنولوژی فکر با دفتر مجله تماس بگیرید.